[شمارهٔ ۱] سال اول

یومیه

حبل المتین

۱۳۱۱

طهران

ومیهٔ ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه
با امضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است

الاول ۱۳۲۵ هجری قمری و ۹ اردی بهشت ماه جلالی ۸۲۹ و ۲۹ آوریل ۱۹۰۷ میلادی

قیمت اشتراك سالیانه

طهران	۴۰ قران
سایر بلاد داخله	۴۵ قران
روسیه و قفقاز	۱۲ منات
سایر ممالك خارجه	۳۰ فرانك

(قیمت یك نسخه)
در طهران یکصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان سطری
دو قران است

...نی لنا من امرنا رشداً

... معرفت روشنائی بخش ...ك مقدس و خلص کردان ... عهدهٔ وظیفه و تکالیف ...ت را خدمتی شایان توانیم ... قدرت و توانائی کرامت ... نیا... در مقام نشر حقایق ... سعت ده که از شدائد ... تیره نگردد دل را قوت ... تخویف و تهدید اندیشه ... از اندازه عطا فرما تا از ...ت برادران لبریز نکردیم ...ی و حق نویسی انحراف ... و امراض را از ما دور ...وری ده که در راه ترقی ... قدرت خویش کوشش و ...ا آن تاثیر موهبت نما که ... و هوش بجانب مقالات و ...د. بزرك کردگارا تو از ... ما واقف که از اقدام ...ع دولت و ترقی وطن و ...اریم بز خارف دنیه چشم ...له خیال را نیالوده ایم دین ...یم و امت اسلامی را سر بلند ... حنیف را که سالها است ...ت در موقع اجرا میخواهیم

علو کلمهٔ مسلمانان و اتحاد آنانرا طالبیم توسعهٔ دائره افکار برادران را وجهه همت ساخته ایم هوا خواه حریت و آزادی و عاشق مساوات وبرادری هستیم رواج تجارت و صناعت از دیاد ثروت و مکنت همگن را خواهانیم ایران را که وطن عزیز ماست آباد و ساکنان این خاك پاك را آزاد و دلشاد میخواهیم و بالجمله مسلك و شیوه ما در این روز نامهٔ یومیه همان مسلك و منهج روز نامهٔ هفتگی حبل المتین است و در نظر قراء محترم آشکار است که روز نامهٔ حبل المتین در عرض چهارده سال تمام یك امر مهم را منظور گرفته فریادها میزد و قوم را بسمت آن متوجه میساخت و در راه وصول آن مقصد معلی گرفتار چقدر ها مشکلات گردید و در چه گردابهای هولناك دچار شد و با چه دشمنان قوی بازو پنجه افکند و با چه موانع و مزاحم مصادف گشت تا آنکه بحمدالله کامیاب و مقضی المرام گردید و باستعانت ثبات و استقامت وحسن مقصد بر همه موانع پیشی گرفت و بر دشمنان ظفر یافت و آنچه در طلبش بهرسو میشتافت بدست آورد یعنی استخلاص ملت و دولت ایران از دست بیگانگان و تاسیس اساس عدالت و مشروطیت و محو آثار استبداد و ظلم و بدعت و ترویج احکام الهی چنانکه امروز بفضل خدا و توجه امام عصر عجل‌الله فرجه در ظل ظلیل پدر تاجدار مهربان ما (محمد علی شاه) خلدالله ملکه ومجلس مقدس شورای ملی که بمثابه ماه تابان و آفتاب درخشان بتمامی اطراف و اکناف ممالك محروسهٔ نورفشان است آن مقاصد انجام گرفته و صلای حریت و مواسات گوشزد اهل عالم گردیده است و



جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامهٔ هفتگی
و یومیهٔ (حبل المتین)

(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
نایب مدیر میرزا سید حسن کاشانی

غیر از روز های جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

حبل المتین

۱۳۱۱
طهران

طهران ۱۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۲ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

(قیمت یک نسخه)
در طهران یکصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان سطری
دو قران است

روز نامهٔ یومیهٔ ملّی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه
با امضاً قبول و درانتشارش اداره آزاد است

دوشنبهٔ پانزدهم ربیع الاول ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱۹ اردی بهشت ماه جلالی ۸۲۹ و ۲۹ آوریل ۱۹۰۷ میلادی

ربنا آتنا من لدنك رحمة وهیئ لنا من امرنا رشداً

بار خدایا قلوب مارا بنور معرفت روشنائی بخش ونیات مارا در این خدمت بزرگ مقدس و خالص گردان تا چنانکه [illegible] عهدهٔ وظیفه و تکالیف مقرره خود بر آئیم ملک وملت را خدمتی شایان توانیم دست و زبان و قلم مارا آن قدرت و توانائی کرامت فرما که از حوادث ایام فتوری نیابد در مقام نشر حقایق متزلزل نباشیم سینه را چنان وسعت ده که از شدائد روزگار و [illegible] تنگ و تیره نگردد دل را قوت بخش که [illegible] تخویف و تهدید اندیشه و پروا ننمائیم حوصلهٔ [illegible] از اندازه عطا فرما تا از عدم مساعدت زمان و عدم موافقت برادران لبریز نکردیم و از شاهراه مستقیم حق گوئی و حق نویسی انحراف نجوئیم اغراض و نیات فاسده و امراض را از ما دور گردان مغز های ما را شوری ده که در راه ترقی وطن و ملت تا آخرین نقطه قدرت خویش کوشش و جوشش کنیم خامهٔ ما را آن تاثیر موهبت نما که هموطنان محترم را گوش و هوش بجانب مقالات و بیانات ما ان جذب وجلب شود. بزرگ کردگارا تو از درون ما مطلعی و بر مقاصد ما واقف که از اقدام باین امر جز خیر ملت و نفع دولت و ترقی وطن و هموطنان مکرم در خاطر نداریم بز خارف دنیه چشم طمع ندوخته و باغراض باطله خیال را نیالوده ایم دین مقدس اسلام را حمایت میکنیم وامت اسلامی را سر بلند و مفتخر میطلبیم احکام دین حنیف را که سالها است در زاویهٔ تعطیل متواری است در موقع اجرا میخواهیم علو کلمهٔ مسلمانان و اتحاد آنانرا طالبیم توسعهٔ دائره افکار برادران را وجهه همت ساخته ایم هوا خواه حریت و آزادی و عاشق مساوات وبرادری هستیم رواج تجارت و صناعت از دیاد ثروت و مکنت همگان را خواهانیم ایران را که وطن عزیز ماست آباد و ساکنان این خاک پاک را آزاد و دلشاد میخواهیم و بالجمله مسلک و شیوه ما در این روز نامهٔ یومیه همان مسلک و منهج روز نامهٔ هفتگی حبل المتین است و در نظر قراء محترم آشکار است که روز نامهٔ حبل المتین در عرض چهار ده سال تمام، یک امر مهم را منظور گرفته فریاد ها میزد و قوم را بسمت آن متوجه میساخت و در راه وصول بان مقصد معلی گرفتار چقدر ها مشکلات گردید و در چه گردابهای هولناک دچار شد و با چه دشمنان قوی بازو پنجه افکند و با چه موانع و مزاحم مصادف گشت تا آنکه بحمدالله کامیاب و مقضی المرام گردید و باستعانت ثبات و استقامت وحسن مقصد بر همه موانع پیشی گرفت و بر دشمنان ظفر یافت و آنچه در طلبش بهرسو میشتافت بدست آورد یعنی استخلاص ملت و دولت ایران از دست بیگانگان و تاسیس اساس عدالت و مشروطیت و محو آثار استبداد و ظلم و بدعت و ترویج احکام الهی چنانکه امروز بفضل خدا و توجه امام عصر عجل الله فرجه در ظل ظلیل پدر تاجدار مهربان ما (محمد علی شاه) خلدالله ملکه ومجلس مقدس شورای ملّی که بمثابه ماه تابان و آفتاب درخشان بتمامی اطراف و اکناف ممالک محروسهٔ نورفشان است آن مقاصد انجام گرفته و صلای حریت و مواسات گوشزد اهل عالم گردیده است و

هرکس بدیدهٔ انصاف بنگرد حکم قطعی خواهد کرد که عمدهٔ اسباب حصول این خوشبختی و سعادت فریاد ها و نالهای چهارده سالهٔ حبل المتین است و این شرف را که اعظم تمام شرافتهای جهان است حاصل نموده و سر افتخار بکیوان رسانیده است اکنون نیز از طبع و نشر این روز نامه در مرکز مملکت و پای تخت ایران جز اختتام این ماموریت الهیه و تکمیل مقاصد سابقه در نظر ندارد و جز اعتلا و عظمت ملت و دولت درد یك خاطر نپخته است و از آفرینندهٔ جهان توفیق و تایید خود را در انتشار این روز نامهٔ یومیه و تنبه و آگاهی ایرانیان و اسلامیان و ارتفاع علم تمدن و عمران مسئلت مینماید

این مسئله‌را هم‌نگفته نمیگذاریم که احتیاج ملت‌ما امروزه بجرائد آزاد خصوص جرائد یومیه واضحتر از نور آفتاب‌است زیراهیچ ملتی ممکن نیست حقوق خود را حفظ نمایند و مراقب حرکات و سکنات امتا و و کلای خویش گردند مگر در صورت بیداری دائمی و آگاهی همیشگی بقسمی که ابداً خواب و غفلت پیرامون آنان نگردد مستی و بیخبری در ساحت وجودشان راه نیابد ساعتی مسامحه و تساهل در اینمورد مورث ضرر های فاحش است که بسا لیان دراز تلافی آن میسر نشود ولمحهٔ غفلت باعث هزاران خرابی و خطر بزرك است که بروزگاران تدارك نگردد . عالم بودن و ازاوضاع پلتیك عصر حاضر اطلاع داشتن نیز اگر چه از شرایط عمده و ارکان مهمه است چه قوم جاهل را جزسلطنت مستبده سزاوار نیست وامت نادان را حق چون وچرا گفتن ساقط است چون طفل صغیرکه برقیم خود حق مؤاخذه و باز خواست ندارد لکن اهمیت این مسئله چون شرط اول نیست واضحتر بگویم ملت که بیدار و هشیار است و خواب و بیهوشی را از سر بدر کرده است و با دوربین مراقبت از دور ملتفت اعمال رؤساء است و ازهزار فرسخ فاصلهٔ تمام حرکات آنان را مشاهده میکند و خوب و بد زشت و زیبا را تمیز میدهد و با ذره بین دقت جزئیات وکلیات‌را زیر نظر مراقبت ومواظبت می آورد ممکن نیست امری بر ان ملت پوشیده و مستور بماند وصحت و فساد هیچ امر بر آنها مشتبه نگردد و هرگونه لوازم را آن هنگام برای صحت عمل تدارك و فراهم میکنند علم لازمست تحصیل میکنند اسباب کار را موجود مینمایند ولی با وجود خواب گران وسستی اعضا وبی حسی قوای بدن و بر هم گذاردن چشم محال است ملت بدرجات و مقامات بلند که درخورملل متمدنه است نایل گردند و بر مدارج ترقی و تمدن صعود نمایند

انسان بالفطره وبالطبیعة طالب استراحت است وخواب و غفلت ازلوازم طبیعی بشر است‌غفلت جزء حالت این‌نوع مخلوق است چنانکه اگر او رابحال خود وا گذارند کم کم غفلت براو مستولی شود تارك وتاریك گردد معلومات را فراموش کند دقت را بر کنار نهد بخواب‌خرگوشی‌وچرت پیری ازهر کار باز ماند تدریجاً معطل وسر گردان و درامور خویش حیران گردد پس اورا منبه وبیدار کننده لازم است که اعصاب را بحرکت آرد ومتصل در بدن حرارت واحساس تولید کند روح را غذا دهد از فتور وسستی مانع شود وبعد ازامتحانات وتجارب زیاد درنزد دانایان‌عالم‌متمدن واضح و روشن شده است که بهترین وسائل و نیکوترین اسباب تنبه . آگاهی روزنامه جات آزاد ومطبوعات بیغرضانه است که بقوت بیان وقدرت کلام وتسلط دراداء سخن وحسن تقریر ولطف تحریر مردمرا درحالت هشیاری نگاه دارند وملتفت حسن وقبح سازند بعلاوه صفحات جرائد جولان‌گاه قلم دانایان وعرصه میدان ادبا و دانشوران است واهم انواع جرائد روز نامه‌یومیه است که هر روزه نقشی تازه برلوحه خاطر زند و خواب صبح و کسالت شب را از سر بیرون کند بدین ملاحظه است که دربلاد عمده و مراکز مهمه دهها بلکه صدها روز نامه یومیهٔ طبع ونشر میگردد وقویترین‌دلیل ترقی و تقدم یك ملترا کثرت مطبوعات و بسیاری روزنامه جات انها میشمارند و رونق عالم مطبوعات را دلیل احساس وبیداری اهل مملکت میدانند و ازمضامین اخبار ومندرجات جرائدمیزان علو خیال واندازه‌ادراکات واحساسات قومی را استنباط میکنند یعنی روزنامه‌را مرآت و آینهٔ سر تاپا نمای مملکت و ملت و کاشف درجات اهالی میدانند

(ترجمه از روزنامه ارشاد نمره ۴۸ مورخه ۱۸ صفر)

(ایران — اختلال)

تاکنون هرگونه حوادث و وقایع که نتیجه آنها افتتاح مجلس شورای ملی بود واقع میشد (انقلاب) میگفتیم اما پاره واقعات که این روزها بظهور رسیده ودر بعضی اماکن سرزده ومیزند بایدآنهارا اختلال بگوئیم انقلاب — مبارزت وستیزه‌است که فیمابین دولت وملت واقع میشود واختلال عبارت‌است ازاغتشاش وهرج ومرجی که باغوا واغفال دولت و دولتیان ظاهر میشود وفائده اختلال برای دولت آنستکه انقلاب ومشاجره با دولت توقیف گردیده خلق بجان یکدیگر افتاده دولتیانرا

آسوده میگذارند وحکومت ازضعف وسستی خلاص شده محکم وپایدار میگردد

سابقا عقیده من درخصوص ایران این بود که بدون خون ریزی واتلاف نفوس وفدا شدن جانها تغییر وانقلاب حقیقی واقع نخواهد شد وشکل سلطنت استبدادی منقلب نخواهدگردید جمعی که دراین عقیده با من مخالفت داشتند وقوعات وحوادث روزانه ایران را عرضه داشته دلیل مدعی خودگرفتند ومرا تکذیب کرده از این تبدیل ناگهانی که بدون خونریزی حاصل شد نهایت خوشحال وشاد شدند واقعاً حرف آنهاراست آمده و فکر من بخطا رفت نظر من باین نکته بود که اشخاصیکه از بدو تولد در ریاست و آقائی و مطاع بودن پرورش یافته وباین عادات تربیت شده اند وهر روزقدرت وقوت شان فزونتر گردیده و بالاخره حاکم مطلق وفرمانروای مستبد وفعال ما یشا گشته اند و غیر از این طریقه طریقهٔ دیگری در زندگانی خود ندانسته اند هرگز نمیتوانند راضی شوند که اختیارات غیر محدوده را که در دست دارند از خود سلب کرده بدهند بدست ملتی که محکوم ومطیع انهابوده اند یعنی یك مرتبه ازمرتبه آقائی دست کشیده مطیع نوکرها و بنده های چندین هزار ساله خود شوند وخودرا نزدانها مسئول ومؤاخذ قرار دهند لکن یك امر محسوسیکه چشم همه دید وگوش همه شنید یعنی ایجاد مجلس شوری یکباره مرا تکذیب کرد . حقیقت من هم خطا نکرده بودم ودرست فهمیده بودم والان هم بهمان عقیده باقی هستم چراکه ممکن نیست مستبدان و ارباب حکومت بدون اجبار ازاختیارات خود صرف نظر کنند لکن علت اصلی رضایت انها بسلطنت مشروطه بی اطلاعی وبی علمی دولتیان بود که معنی حکومت دستوری را نمیفهمیدند وهرگز بخاطرشان خطور نمیکرد که نتیجه انقلاب سلطنت مشروطه بمستبده محدود شدن اختیارات انها و مسئولیت نزد ملت باشد تصور میکردند که این گفتگو و هیاهو نظیر سایر انقلابات است که بیقی مشتعل وبقی خاموش بشود اگر هم تغییری پیدا شود درلفظ خواهد بود اسم مستبده رابرداشته نام مشروطه بجایش گذارده خواهد شد بدون اینکه مجاری امور منقلب شود وآب ازجوی قدیم برگردد پس بحال انها یکسان است مشروطه بشود یا نشود قانون اساسی وضع شود یا نشود همان طنطنه وریاست واقتدارات تامه برای شان باقی خواهد ماند . لکن بعد از افتتاح مجلس و شروع بعملیات ملتفت شدند که خطا کرده وفریب خورده انداز کرده پشیمان شده دست ندامت برسر زدند زیرا که مقتضی مشروطیت انقراض استبداد خوانین ومامورین است وممکن نیست دریك مملکت دو جور سلطنت باشد همینکه دستوری شد قهراً استبداد مضمحل و منقرض خواهد شد . اما انقدرت و قوت‌را درخود نمی بینند که مثل دولت روس با ملت روبرو شده ستیزه ومبارزت کنند . حالیه چاره کار را منحصر به آن دیده اند که پنهانی ملت‌را محرك شده بر ضد تبعه خارجه واجانب تحریص نموده اختلالی بربا نموده امر را منجر بمداخله دول اروپا نمایند تا ملت‌را بزور دیگران مطیع ومنقاد نموده باز طرز کهنه حکومت سقیمهٔ مستبده را بر قرار نمایند .

دولت ایران دراین تدبیر بخطا وسهو بزرگی است مداخله دول اروپا جزرنج وضرر عظیم ابداً فائده ونفعی ندارد زیراکه ملت انهنگام یکباره از دولت رنجیده طریقه آنارشیست‌رامجبوراً پیش خواهند گرفت وخطرات آن بقدری بزرگ است که دول اروپا ازمداخله خود پشیمان خواهند شد زیراکه اگر ایرانیان در راه احقاق حقی مثل عدالت وحریت مبارزت کنند وجان فدانمایند قهراً بسایر طوایف مسلمانان سرایت نموده هنگامه‌هولناکی بربا خواهد شدکه عقلا ازتسکین ان عاجز شوند واضح است وقتیکه مسلمانان عالم ملت ایران‌را زیر ظلم و جبر دولت خود ودول اجانب دیده که دلیرانه جان‌نثار میکنند آرام نگرفته بی شبهه بهیجان آمده خدا میداند عاقبت کار چه خواهد شد .

دول اجانب و دولت ایران نباید فراموش کنند غلبه‌ژاپون وحرکت آزادانه روسها که درقرن بیستم بهمه عالم تاثیر کرده است وچشم تمام ملل مختلفه را باز کرده هرکس درفشار وتنگی یا حقوقش پایمال شده بجهت مدافعه ومطالبه حقوق خود بهانه میجوید ومترصد وقت است .

(عزیز)

حبل المتین

عقیده خودرا دراینخصوص بواسطه تنگی صفحات بنمره آتیه محول نمودیم

تحقیق معنی مسؤلیت

البته قراء محترم مسبوقند که تا دو سه ماه قبل اهالی وطن ما این کلمه مبارکه را که اساس خوشبختی وسعادت است نشنیده و با این لفظها سرو کاری نداشتند هرچه میشنیدند کلمه مشئومه استبداد واستقلال بود حلا بتازگی میخواهند بشنیدن این قبیل الفاظ مانوس شونددراینصورت اگر اغلب معنی اورا ندانند و از حقیقت آن مطلع نباشند عیبی نیست و کسری بکسی وارد نمیشود واضح است که همه کس همه چیزرا از اول نمیدانسته است در صدد

برامده وموضوع بحث ومذاکره قرار داده تاحقیقت از تصادم افکار پیدا شده است ومجهول معلوم گردیده‌است

بدین سبب هر کسی حرفی میزند و بقدر فهمش توضیح وتشریحی بت کلمه مسئولیت مینماید وحدودشرا معین میسازد . واضحتر بگویم هر آدمی بمقتضای صرفه و صلاح حال خود توجیهی میکند و نظر بمصلحت خود دائره انرا وسعت یاتضیق میدهد گروهی چنان عرصه را تنك میکنند که احدی نمیتواند زیر بار قبول برود جمعی بان درجه میدان را وسعت میسازند که همه کس بهوس پذیرفتن میافتد . انها که طرف مسئولیت اند از قبیل وزرا که مسئول مجلساند یاحکام و مأمورین که مسئول وزرا هستند در معنی مسئولیت بقسمی توسعه میدهند که با هزار شاهد و بینه نتوان برآنان ایرادی وارد نمود و یا ار تکاب هرعملی مجال مؤاخذه نباشد اقدر مجمل تفسیر میفرمایند که هیچ مهندس ماهری نمیتواند نقشهٔ صحیح انرا مرتسم سازد . یك شتر گربهٔ که بتوان هر وقت بر هر کس ایرادکرد وهرگز نشود مسجل وثابت نمود

فی الحقیقه یك نوع چشم بندی واغفال است که نمیتوان ازبرای اونظیری پیدا نمود از طرف دیگر بعضی از وکلاء محترم درمقام سخت گیری چنان برمیایند که در مملکت ما که هیچ در نقط متمدنه هم که تمام لوازم و اسباب کار فراهم است وادارات بواسطه چرخهای کوك کرده طیار در گردش است کسی زیربار نمیرود باصطلاح علماء (دونه خرط القتاد)

از انجا که هر کس آزاد است انچه را صلاح ملت ودولت بداند بی هیچ خوف وترس اظهار بدارد عقیده ورای خود آشکار نماید لذا ما درخصوص این مسئله انچه را بعقل قاصر ادراك میکنیم عرضه میداریم خواه مقبول شود یامردود

جناب وزیر مالیه روز پنجشنبه گذشته در مجلس محترم چنین تقریر نمودند « ما مسلمان هستیم ومعتقد و مقلد دین اسلام حکم شرع ما این است (لایکلف الله نفساً الا وسعها) یعنی تکلیف باید بقدر طاقت باشد زیاده از طاقت وقدرت براحدی نمیتوان حمل تکلیف کرد . معنی مسئولیت را من دوچیز میدانم اول امانت و دیانت که پیرامون خلاف وخیانت نگردد وتقلب وتدلیس ننماید دویم بذل جهد و مساعی که بقدر القوه در امور راجعه بخود مسامحه ومماطله ننماید سهل انگاری وکسالت را در این مقام جایز نشمارد ومن مسئولیت را بهمین معنی قبول کرده ام ودر اداء آن حاضرم قسم خورده ام که خیانت نکنم نمیکنم بلکه ازروز اول درهرشغل که راجع بمن بوده است مرتکب خلاف وخیانت نگردیده ام ازبذل جهد و کوشش باندازهٔ که درطاقتم هست مضایقه ننموده‌ام لکن تکلیفی که شما از من میخواهید باوضع حالیه مملکت از تحت قدرت من بیرون است

اینکه در ممالك خارجه وزیر مالیه درمرکز مملکت نشسته در دور ترین نقاط انحاك امورش بخوبی مرتب و مهیا میشود علتش آنستکه رشتهٔ امور چنان منظم و مرتب شده است که اگر فی المثل در بمبور کسی ازاداء مالیات استنکاف کند عدلیهٔ فوراً او را مجازات مینماید و حقوق دولت را وصول میکند یعنی دیگران برای او کار میکنند دست تنها نیست که ازعهده تکالیف عاجز شود

ولی دراین مملکت من چگونه میتوانم بتنهائی تمام امور را مرتب ومنظم کنم و شما چسان میتوانید مؤاخذه کار دیگران را از من بنمائید و مرا مسئول عمل غیر قرار بدهید ووجهی را که دیگری گرفته است جمع وخرجش را از وزارت مالیه مطالبه نمائید ملی من میتوانم تحقیق کرده بگویم چه قدر گرفته اند و از کجا وکدام شخص بوده است ولی چرا گرفته وبچه مصرف رسانیده‌اند ربطی بمن ندارد الخ .»

دور نیست سایر وزراء مسئول نیز عقیده‌شان مطابق رأی وزیر مالیه باشد لکن واضح است که قدرت و قوه آدمی دراداره کردن یك دستگاه مثل قوه ماشین نیست که بتوان بوجه تحقیق معلوم نمود که قوت چند اسب دارد وچه مقدار وزن را میتواند بفلان ارتفاع بلند نماید واقعاً بغیر ازخود شخص دیگری نمیتواند میزانی برای طاقت اومعین کند . بعلاوه اشخاص در قوت وطاقت مختلف هستند هر کسی یك مقداری قدرت و طاقت دارد انهم بحسب ایام مختلف میشود بنا بر این هرگز این امر منظم نخواهد شد وراه طفره وفرار همواره باقی خواهد ماند وهیچ وزیری ضامن عمل نخواهد بود وباید در صورت ظهور فساد و خلل استعفا بدهد زیرا که میتواند بگوید من قدر طاقت سعی کردم وخیانت نکردم . گذشته از اینها این بیانات چه ربطی بکلمه مسئولیت دارد این دو امر لازمه همه کس است اختصاصی بوزراء هشت گانه ندارد اگر میخواهید یك مثل واضحی عرض انم که بدانید بذل جهد وخیانت نکردن مناسبتی بامسئولیت ندارد البته میدانید اطباء ودکتران درفرنگ مسئول نیستند یعنی اگر مریضشان هلاك شود کسی نمیتواند ازانها مؤاخذه کند ومطالبه دیه ومجازات بنماید ومعالجهٔ که مینماید ضامن نیستند که مریض شفا یابد . آیا باوجود عدم مسئولیت میتوانند خیانت کنند یادراداء وظیفه خود مسامحه و تکاهل نمایند خیر البته اگر خیانت کردند یا کوتاهی نمودند سیاست و مجازات میشوند پس مسئولیت امر علیحده وسعی وامانت امر دیگری است

حسن الحسینی الکاشانی

طهران (در مطبعهٔ فاروس بطبع رسید)